

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۱ می ۲۰۱۹

دست رد به سینه "اصولی"، سیلی بر رخسار "غنی احمدزی" بود!

دوشنبه- ۳۰ ثور ۱۳۹۸ - کابل: یک روز مانده به ختم دوران قانونی دولت دست نشانده، یعنی امروز ۳۰ ماه ثور ۱۳۹۸، بار دیگر ثبت تاریخ خونبار کشور گردید که وکیل و وکیل بازی در کشوری با ساختار اقتصادی - اجتماعی افغانستان آنهم در زیر سلطه مستقیم امپریالیسم، چیزی به جز زدن خاک به چشم مردم و تحمیق انسانهای حماقت پذیر نبوده و نمی باشد. چه امروز آنها نه تنها به اثبات رساندند که "ولس جرگه" چیزی بیشتر از طویله نبوده، برکسی نشستگان آن اگر اهانت به گاو و الاغ نگرده، همان گاو های شاخ زن و الاغ های لگد پرانی هستند که به درد هیچ کاری نمی خورند. یادداشت امروزم را که بی ارتباط به وقایع امروز نیست، به بحث در مورد روند قضایا در "ولسی جرگه" اختصاص می دهم:

۱- با حرکت از اصل دیالکتیکی "تقسیم یگانه به دو گانه" و به منظور پرهیز از مطلق گرایی، در آغاز یگانه حرکت مثبت این مشتم میهن فروش جمع شده در "ولسی جرگه" را تذکار می دهم.

همان طوری که روز گذشته نیز تذکر داده بودم، از آنجائی که جمع ۱۲۳ رأی داده شده بیشتر از مجموع اقوام غیر پشتون در جلسه "ولسی جرگه" بوده و از جانب دیگر در بین ۵۰ نفری که رأی سفید داده اند به ده ها تن از قوم پشتون وجود داشته، لذا با صراحت می توان نوشت که رأی گیری روز های قبل، تقابل قوم پشتون با سایر اقوام نه، بلکه تقابل همگرایی و همکاری اقوام مختلف علیه تبارگرایی و شوونیسم تبارگرایانه بوده است. بدون مجامله باید گفت که این حرکت اعضای طویله به هر نیت و مقصدی که صورت گرفته باشد، در نفس خود جواب دندان شکنی به آحاد نمایندگان قوم پرستی و تبارگرایی و افتراق قومی در افغانستان بوده است.

۲- در این که "کمال ناصر اصولی" روی دیگر سکه "یون" و سایر تبارگرایان و دشمنان وحدت مردم ما است، بنا بر سخنان تبلیغاتی و مواضع سیاسی آشکار "اصولی" هیچ جای شکی وجود ندارد، اما این که نفرت عمیق علیه وی بین سایر اقوام و قوم پشتون و او را در چنان رقابت آشکاری با دادن ۵۵ رأی مقتضح ساختن، تنها به خاطر مواضع شخص خودش باشد، جای تأمل است.

تصور من بر آن است که رأی منفی اعضای طویله به "اصولی" به همان اندازه که پیامد مواضع ضد ملی و تفرقه افکنانه خودش است در واقع برخاسته از رابطه نزدیک وی با شخص "غنی احمدزی" نیز می باشد. یعنی "اصولی" رأی نیاورد به خاطری که اعضای طویله، نفرتی را که از "غنی احمدزی" و سیاست هایش داشته و

دارند، شامل حال این عنصر ضد ملی نیز نمودند. یعنی اعضای طویل‌ه با تمام کوششی که "غنی احمدزی" به خرج داد تا آنها را دستچین نموده، بیشتر عمال خود را در بین شان جای دهد، در عمل ثابت نمودند که به هرکجائی که وابسته باشند، نوکر "غنی احمدزی" نیستند.

۳- در جنجال‌های بعد از انتخاب رئیس و درگیری بین زنان و مردان و امروز لت و کوب نگهبانان و نیروهای امنیتی به وسیله طرفداران "اصولی" به نظر من دو عامل می‌تواند برجسته‌تر از سایر عوامل باشد. الف- عامل ارگ که از یک جانب نمی‌خواهد چنین شکست مفتضحانه‌ای را آنها بعد از هفت ماه توطئه و تفتین بپذیرد و از جانب دیگر می‌خواهد با بحرانی ساختن اوضاع "ولسی جرگه" - بخوانید طویل‌ه- مسأله ختم دوره کار خودش را به عقب براند.

ب- همان طوری که دیروز نگاشتم، سوابق تحصیلی و خدمات حکومتی "رحمانی" در روسیه و رژیم دست‌نشانده روس، تا حد زیادی باعث تشویش تمام عمال امریکا و چه بسا امپریالیسم امریکا گردیده، نمی‌خواهند با آسانی فردی را که با لگد از دروازه بیرن انداخته شده، از پنجره مجدداً داخل اتاق شود و برکرسی ظاهراً ریاست قوه مقننه تکیه بزند.

۴- تصور من چنین است که ارگ و باند تبارگرا با برخورداری از حمایت اشغالگران با تمام قواء خواهند کوشید تا از نشستن وی بر اریکه ریاست "ولسی جرگه" جلوگیری نمایند. تا جائی که از روند قضایا بر می‌آید آنها در نخستین گام‌های شان موفق بوده‌اند زیرا قادر شده با خریدن افراد خودفروشته و بی‌عارتر اعضای طویل‌ه، ۱۲۳ را مساوی ۵۵ اعلام نموده قضیه را به حکمیت بکشانند.

این نکته را می‌باید فهمید که در چنین مواردی رفتن پای حکمیت، در واقع شک نسبت به حقانیت خود نیز می‌باشد.

دیدۀ شود چه می‌شود!!